



۲. «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ السَّخْلَةَ الَّتِي مَرَّ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ ص - وَهِيَ مَيْتَةٌ فَقَالَ - مَا ضَرَّ أَهْلَهَا لَوْ انْتَفَعُوا بِأَهَابِهَا - قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَمْ تَكُنْ مَيْتَةً يَا أَبَا مَرْيَمَ - وَلَكِنَّهَا كَانَتْ مَهْزُولَةً فَدَبَّحَهَا أَهْلُهَا - فَرَمَوْا بِهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص - مَا كَانَ عَلَى أَهْلِهَا لَوْ انْتَفَعُوا بِأَهَابِهَا.»^۱

ترجمه:

«از حضرت پرسیدم درباره سخله ای (بچه بز و گوسفند در ساعتی که متولد می شود) که پیامبر بر آن گذشت در حالیکه میته بود؟ و پیامبر فرموده بودند : اگر صاحبان آن از پوست آن نفع ببرند، اشکالی ندارد. حضرت صادق جواب دادند: در آن قضیه سخله میته نبوده بلکه لاغر بوده و صاحبانش آن را ذبح کرده بودند و آن را دور ریخته بودند و در چنین موردی پیامبر فرموده بودند اشکالی ندارد که اهلش از آن نفع ببرند.»

سند حدیث:

ابن فضال: حسن بن علی بن فضال که شیخ حسین بن سعید است و از فطحیه است و فرزندان وی عبارتند از: احمد بن حسن بن علی بن فضال، علی بن حسن بن علی بن فضال و محمد بن حسن بن علی بن فضال. همه بنی فضال توثیق شده اند. نجاشی نوشته است که وی در آخر عمر از فطحی بودن رجوع کرده است.^۲

یونس بن یعقوب: نجاشی درباره وی می نویسد که او از فطحیه بوده است و به امامت عبدالله افطح قائل بوده ولی از این عقیده برگشته و به امامت امام رضاع قائل شده و در همین دوره هم وفات یافته است نجاشی هم چنین او را مورد توثیق ائمه بر شمرده است. وی وکیل امام کاظم بوده است.^۳ شیخ طوسی هم او را توثیق کرده است.^۴

اما ابی مریم: عبد الغفار بن قاسم انصاری معروف به ابو مریم است. وی را نجاشی توثیق کرده است.^۵

نکته:

۱. وسائل الشیعة؛ ج ۲۴، ص: ۱۸۵

۲. رجال نجاشی، ص ۳۴

۳. رجال نجاشی، ص ۴۴۶

۴. رجال طوسی، ص ۲۴۵ و ۳۶۸

۵. رجال نجاشی، ص ۲۴۶



حضرت امام این روایت را حسنه ابی مریم دانسته اند.^۱ در حالیکه ظاهراً روایت موثقه است. علت اینکه حضرت امام، روایت را حسنه دانسته اند ظاهراً آن است که صاحب وسائل در جلد سوم این روایت را از طریق صدوق نقل کرده است در حالیکه در جلد بیست و چهارم، آن را از طریق شیخ طوسی آورده است. طریق شیخ، موثقه است ولی در طریق صدوق، شخصی به نام حکم بن مسکین است که توثیق صریح ندارد. ولی مامقانی او را «حسن» دانسته است.^۲

ما می گوئیم:

(۱) این روایت از جهتی با روایت قبل (علی بن ابی مغیره) منافات دارد. چراکه در این روایت گوسفند ذبح شده است در حالیکه در روایت قبل میته بوده است.

(۲) صاحب وسائل درباره این اختلاف می نویسد: «أقول: لا مُنَافَاةَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ السَّابِقِ لِأَحْتِمَالِ تَعَدُّدِ الشَّاةِ وَالْقَوْلِ».^۳

(۳) برخی از بزرگان در این باره نوشته اند: «احتمال تعدد الواقعة بعید و لا سیما بعد ملاحظه روایات السنه ایضا فی هذا المجال».^۴

(۴) در سنن بیهقی^۵ این قضیه به طور مکرر نقل شده است. هم چنین در دعائم الاسلام^۶ و عوالی الآلی^۷ نیز این استدلال مورد اشاره قرار گرفته است.

(۵) در برخی از روایات گوسفند متعلق به سوده زوجه پیامبر دانسته شده و در برخی متعلق به میمونه زوجه پیامبر دانسته شده و در برخی متعلق به کنیز میمونه. و قصه گوسفند مذکاة را مربوط به میمونه

۱. المكاسب المحرمه، ج ۱ ص ۶۹

۲. تنقیح المقال، ج ۱ ص ۴۴

۳. وسائل الشیعة؛ ج ۲۴، ص: ۱۸۵

۴. دراسات فی المكاسب المحرمه؛ ج ۱، ص: ۳۱۸

۵. سنن بیهقی، ج ۱ ص ۱۵

۶. مستدرک الوسائل، ج ۳ ص ۷۷

۷. مستدرک الوسائل، ج ۳ ص ۷۶



دانسته اند و قصه گوسفند میته را به سوده.

۶) با توجه به شیوع این امر در میان اعراب، تعدد داستان بعید نیست.

نکته:

حضرت امام درباره دلالت این روایت می نویسند:

«لیس لها إطلاق بالنسبة إلى جميع الانتفاعات، بل نقل قضية يظهر منها عدم جواز الانتفاع بها في الجملة.»^۱

توضیح:

۱. حضرت در این روایت، مرتکز ذهنی سائل را - که اگر میته باشد حرام است انتفاع از آن - تأیید کرده است و فرموده که قول پیامبر درباره مذکی بوده است.

۲. اما این عدم انتفاع از میته، فی الجملة است یعنی روایت معلوم نمی کند که چه نوع انتفاع از چه اجزائی از میته حرام است.

ما می گوئیم:

فرق بین این روایت با روایت علی بن ابی مغیره (در اینکه روایت ابو مریم دلالت فی الجملة دارد و روایت علی بن ابی مغیره دلالت تام) ناشی از صدر روایت علی بن ابی مغیره است. چراکه: ذیل دو روایت حکایت فعل رسول الله است و نهایت داستان اول آن است که پیامبر می فرماید «اگر تذکيه اش می کردند از اهاب آن همه نوع انتفاع می بردند» یعنی اگر تذکيه اش نکردند، «همه نوع» انتفاع از آن نمی برند (ولی ممکن است برخی انتفاعات از آن جایز باشد) و نهایت استدلال دوم آن است که پیامبر فرموده: «این گوسفند مذکی است و لذا همه گونه انتفاع از آن می توان برد» یعنی اگر مذکی نبود، همه گونه انتفاع از آن ممکن نبود (ولی ممکن بود برخی از انتفاعات آن جایز باشد).

۳. «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنِ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ أَكْلِ الْجُبْنِ وَتَقْلِيدِ

السَّيْفِ - وَفِيهِ الْكَيْمُخْتُ وَالْغِرَاءُ - فَقَالَ لَا بَأْسَ مَا لَمْ تَعْلَمْ أَنَّهُ مَيْتَةٌ.»^۲

ترجمه:

«از حضرت درباره خوردن پنیر و حمائل کردن شمشیر که در آن کیمخت (نوعی پوست که آن را دباغی کنند) و فراء (پوست قیمتی / ذوات الفراء حیواناتی که پوست آنها قیمتی است) است، سوال کردم، فرمودند: اشکالی ندارد

۱. المكاسب المحرمة (للإمام الخميني)، ج ۱، ص: ۶۹

۲. وسائل الشيعة؛ ج ۲۴، ص: ۹۰

تا وقتی که ندانی که میته است.»

نکته:

روایت را حضرت امام «فراء» ضبط کرده است در حالیکه در وسائل «غراء» ضبط شده است.

مجمع البحرین درباره «غراء» می نویسد:

«فی الحدیث ذکر الغراء و الکیمخت. الغراء ککتاب: شیء یتخذ من أطراف الجلود یلصق به، و ربما یعمل من السمک.»^۱

سند حدیث:

عثمان بن عیسی: از اصحاب اجماع است. نجاشی می نویسد: «و کان شیخ الواقفة و وجهها، و أحد الوكلاء المستبدین بمال موسی بن جعفر علیه السلام، روی عن أبی الحسن علیه السلام. ذکره الکشی فی رجاله.»^۲ وی می نویسد که حضرت امام رضا علیه السلام پول ها را از او مطالبه می کند و او ناراحت می شود و نجاشی ادامه می دهد که عثمان بعدها توبه کرد و پول ها را به نزد حضرت فرستاد. کشی^۳ او را به یک قول از اصحاب اجماع دانسته است. سماعه را نیز گفته ایم که از واقفه بوده است و لذا روایت را موثقه دانسته اند.

✓ (ج) دسته سوم: روایتی که درباره دنبه میته وارد شده است:

۱. «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ الْكَاهِلِيِّ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ وَ أَنَا عِنْدَهُ - عَنْ قَطْعِ أَلْيَاتِ الْغَنَمِ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِقَطْعِهَا - إِذَا كُنْتَ تُصَلِّحُ بِهَا مَالَكَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَ - أَنْ مَا قُطِعَ مِنْهَا مَيْتٌ لَا يُنْتَفَعُ بِهِ.»^۴

سند حدیث:

روایت صحیح است. کاهلی: عبدالله بن یحیی ابو محمد کاهلی از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهما السلام بوده است. نجاشی می نویسد که «کان وجهاً عند ابی الحسن علیه السلام».^۵ کشی هم او را مدح کرده.^۶ بزنی و ابن ابی عمیر و صفوان هر سه از او حدیث نقل کرده اند.

ترجمه:

۱. مجمع البحرین؛ ج ۱، ص: ۳۱۵

۲. رجال النجاشی - فهرست أسماء مصنفی الشيعة؛ ص: ۳۰۰

۳. رجال کشی، ص ۵۵۶

۴. وسائل الشيعة؛ ج ۲۴، ص: ۷۱

۵. رجال النجاشی - فهرست أسماء مصنفی الشيعة؛ ص: ۲۲۱

۶. رجال کشی، ص ۴۰۲



«مردی از حضرت درباره بریدن دنبه گوسفند پرسید. حضرت فرمود قطع کردن جایز است اگر به وسیله این کار مال خودت را اصلاح می کنی. سپس حضرت فرمود آنچه از گوسفند قطع شود میّت است و از آن نفع برده نمی شود.»